

وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده‌ی تاریخ

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی

عنوان پژوهش:

مطالعه‌ای در نقش سیاسی - اجتماعی امرای نظامی دوره‌ی سلجوقیان ایران

(۵۵۲-۴۲۹ هـ.ق.)

استاد راهنما:

دکتر شهرام یوسفی فر

استاد مشاور:

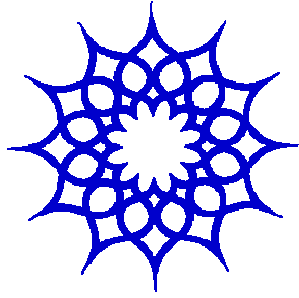
دکتر اللهیار خلعتبری

نگارش:

بهزاد اصغری اناری

شهریور ۱۳۸۸

به نام خدا



وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده‌ی تاریخ

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی

عنوان پژوهش:

مطالعه‌ای در نقش سیاسی - اجتماعی امرای نظامی دوره‌ی سلجوقیان ایران

(۵۵۲-۴۲۹ هـ.ق.)

استاد راهنما:

دکتر شهرام یوسفی فر

استاد مشاور:

دکتر اللهیار خلعتبری

نگارش:

بهزاد اصغری اناری

شهریور ۱۳۸۸

برای مریم

مهربانم

سپاس برای آنانی که آموختند

پدر و مادری پاک

برادر و خواهران دلسوز

دکتر یوسفی فر برای آن چه که یاد داد

دکتر ترکمنی آذر برای مهربانی هایش

دکتر خلعتبری برای لطفاش

دکتر طیبیان برای دوست داشتنش

دکتر تکمیل همایون برای خندیدنش

دکتر آزادگان برای تکرارش

دکتر عالمزاده برای تنبیهاش

دکتر نجفدوری برای فهمیدنش

دکتر اشراقی برای چشمهایش

دکتر نوذری برای صدایش

چکیده

بررسی نقش سیاسی و اجتماعی امرای نظامی عصر سلجوقی، از آن جهت که حاکمان سلجوقی خود ویژگی‌های نظامی‌گری داشتند، امری در جهت بازشناسایی ساختار حکومت و به تبع آن جامعه‌ی عصر سلجوقی محسوب می‌گردد. از این رو، شناسایی پایگاه سیاسی و اجتماعی امرای نظامی، به عنوان عناصر درگیر در جامعه‌ی آن عصر، و چگونگی سامان‌یابی آن‌ها در درون این جامعه، در شناسایی جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های این عناصر قدرت موثر نشان می‌داد. در جهت بازشناسایی گرایش‌های امرای عهد سلجوقی و تاثیر آن در جامعه‌ی آن عصر، با استفاده از تلفیقی از نظریات جامعه‌شناسی در حوزه‌ی ساختارگرایی و کارکردگرایی و همچنین نظریات علم سیاست در حوزه‌ی نظامی‌گری و تمامیت‌خواهی به دنبال تبیین الگوی رفتاری امرای نظامی عهد سلجوقی، در یک ساخت کلان هستیم، تا بدین طریق، این عناصر در یک الگوی فراگیر مورد بررسی قرار گیرند. به همین منظور با مطالعه‌ی پایگاه این امرا و چگونگی جای‌یابی آن‌ها در درون این ساختار، به گروه‌بندی‌هایی از امرا (امرای درباری، امرای اقطاع‌دار و غیره) دست می‌یابیم که این عناصر نظامی در درون آن جای می‌گرفتند و متعاقب آن، با استفاده از عوامل دیگری هم‌چون سازمان غلامان و نهاد اتابکی به نیروهای مسلط در روابط سیاسی و اجتماعی تبدیل می‌شدند. به دنبال جای‌یابی این امرا در درون بافت حکومت سلجوقی و توان‌یابی آن‌ها در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، گرایش نیروهای نظامی به سمت تسلط بر تمام شئون حکومتی سوق می‌یافت که از آن طریق در جهت تضعیف حکومت سلجوقی و به دنبال آن شکل‌گیری حکومت‌های مستقل عمل می‌نمود.

واژگان کلیدی: امرای نظامی، پایگاه سیاسی و اجتماعی، سازمان غلامان، نهاد اتابکی، امیر- غلامان.

فهرست مطالب صفحه‌ی

۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	۱-۱) طرح موضوع
۳	۲-۱) سامان تحقیق
۴	۳-۱) سوال‌های پژوهش
۴	۴-۱) فرضیه‌های پژوهش
۵	۵-۱) روش انجام پژوهش
۵	۶-۱) هدف‌های پژوهش
۵	۷-۱) قلمرو پژوهش
	۸-۱) چهارچوب نظری ۵
	۹-۱) پیشینه‌ی پژوهش ۷
	۱۰-۱) تعریف مفاهیم ۷
	۱۱-۱) معرفی و نقد منابع ۱۱

فصل دوم: پیشینه‌ی سازمان سپاه و لایه‌های امرای نظامی در ایران ۱۷

۱۹	۱-۲) سپاه دوره‌ی ساسانی
	۲-۲) سپاه دوره‌ی اسلامی ۲۲
۲۳	۱-۲-۲) سپاه دوره‌ی اموی
۲۴	۲-۲-۲) سپاه دوره‌ی عباسی
۲۵	۳-۲-۲) سپاه دوره‌ی سامانی
۲۷	۴-۲-۲) سپاه دوره‌ی صفاری
۲۸	۵-۲-۲) سپاه دوره‌ی غزنوی

۳۱ (۶-۲-۲) سپاه دورهی آل بویه

۳۵ فصل سوم: سازمان سپاه در دورهی سلجوقیان: ساختار و کارکردها

۳۷ (۱-۳) بافت نیروی انسانی سپاه

۴۰

(۲-۳) ساخت سپاه

۴۰ (۱-۲-۳) ساخت قبیله‌ای سپاه

۴۲ (۲-۲-۳) سپاه ثابت

۴۹ (۳-۲-۳) سازمان غلامان

۵۴ (۴-۲-۳) نهاد اتابکی

۵۷

(۳-۳) سازمان درونی سپاه

۶۶ فصل چهارم: پایگاه اجتماعی - سیاسی امرای نظامی

۶۸ (۱-۴) امرای نظامی

۷۰ (۱-۱-۴) امرای مقیم دربار

۷۳ (۲-۱-۴) امرای اقطاع‌دار

۸۱ (۳-۱-۴) امرای سرگردان یا آواره

۸۳ (۴-۱-۴) امرای میان‌دست

۸۶ (۲-۴) امرای نظامی ترکمن

۹۴ (۳-۴) امرای نظامی ایرانی

۹۸ (۴-۴) امرای نظامی ترک

۱۰۱ (۵-۴) امیر - غلامان

۱۰۵ فصل پنجم: اندیشه‌های نظامی‌گری در دورهی سلجوقیان: آراء سیاسی و استراتژیک امرای نظامی

۱۰۶ (۱-۵) شمار نظامیان

۱۰۸ (۲-۵) آرایش جنگی

۱۰۹ (۳-۵) مناصب نظامی

۱۱۰ (۴-۵) اسلحه

۱۱۱ (۵-۵) فنون و رویه‌های جنگی

- نتیجه گیری ۱۱۲
- پیوست‌ها ۱۱۵
- پیوست اول) فهرست اسامی امرای نظامی ۱۱۶
- ۱۲۸ پیوست دوم) سال‌شمار جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی عصر سلجوقی
- کتاب نامه ۱۴۵
- چکیده‌ی انگلیسی ۱۵۷

فصل اول

کلیات

۱-۱) بیان موضوع تحقیق

با سقوط ساسانیان به دست اعراب مسلمان الگوی نظامی گری و سازمان سپاه خاص آن دوره نیز با دگرگونی‌هایی مواجه گردید؛ اگرچه سپاه هم‌چنان ساخت خود را به گونه‌ای حفظ کرده بود، اما لزوم هماهنگی با نیازهای جدید و عناصر نورسیده بیانگر نیاز به تغییراتی در الگوی نظامی گری و به تبع آن جایگاه، نقش و کارکرد در بافت و موقعیت نظامیان بود که در دوره‌های بعد مشاهده می‌گردد. سازمان سپاه در دوره‌ی اسلامی براساس ترکیبی از نیروهای نظامی قبیله‌ای عرب و نیروهای نظامی ایرانی استوار بود. این تشکیلات توسط گروهی از امرای عرب و ایرانی که از پایگاه‌ها و گرایش‌های سیاسی-اجتماعی متفاوتی برخوردار بودند، نمایندگی می‌شد. ظهور حکومت‌های محلی در ایران (از قرن سوم به بعد) و کاهش اتکای آنان بر نیروی نظامی قبایل عرب، که توأم با رشد گرایش به مرکزیت‌گرایی در حوزه حکومت و اداره امور بود، به پیدایش الگوهای سپاه ثابت انجامید. در تحولات بعدی، این تجربه زمینه‌های پیدایش سازمان ارتش مزدور (غلامان) و برآمدن امیر- غلامان ترک در حوزه سپاهی‌گری را فراهم آورد. پیامد چنین روندی پیدایش گروهی از نخبگان نظامی وابسته به حکومت بود که بنا به پایگاه سیاسی- اجتماعی آن گروه، از سیاست‌ها و گرایش‌های مرکزیت‌گريزانه سیاسی دفاع می‌کردند

که این امر در تقابل با روند موجود، تضعیف موقعیت دیگر امرای نظامی و حذف آنان از دایره‌ی نخبگان نظامی را در پی داشت. در قرن پنجم هجری قمری ورود قبایل ترک سلجوقی به ایران تحول دیگری را در حوزه‌ی نظامی ایجاد کرد و در نهایت تجربه‌ی سازمانی و سیاسی- اجتماعی مزبور را با چالش جدیدی روبرو نمود. در دوره‌ی سلجوقیان گرایش‌های مرکزگرایز در مناسبات سیاسی و حکومت‌داری ایران تشدید شد. در نتیجه، ورود گروه‌های امرای نظامی ترک در امور سپاهی‌گری و حکومت‌داری، تغییراتی در آرایش ترکیب امرا و نخبگان نظامی ایران ایجاد شد و الگوهای جدیدی از نخبگان نظامی را که دارای پایگاه‌های اجتماعی- سیاسی و اقتصادی متفاوتی بودند، به وجود آورد. بنا به اهمیت و پیامدهای اجتماعی مهاجرت قبایل صحراگرد ترک به ایران در آستانه قرن پنجم هجری، مطالعه حاضر به چگونگی تاثیرگذاری مناسبات اجتماعی- سیاسی و الگوی نظامی‌گری ترکان مهاجر بر سازمان سپاه، ترکیب امرای نظامی و نیز چگونگی تاثیر گذاری گرایش‌های سیاسی- اجتماعی گروه‌های امرای ترک در حکومت سلجوقیان می‌پردازد.

این تحقیق درباره‌ی نقش سیاسی- اجتماعی امرای نظامی دوره‌ی سلجوقی در ایران می‌باشد که به بررسی حضور نظامیان به عنوان عامل‌های اجتماعی و سیاسی در درون ساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد. با توجه به ایفای نقش عناصر نظامی به عنوان نیروهای موثر در ساخت اجتماعی و سیاسی در این تحقیق تلاش می‌شود، جای‌گیری این عناصر نظامی را در ساختار جامعه‌ی عصر سلجوقی نشان داده و رابطه‌ی متقابل گروه‌های نظامی با ساختارهای جامعه تبیین شود. ورود ساخت‌های جدید در کالبد اجتماعی و عناصر جدید در بافت اجتماعی آن عصر لزوم برآوردی دقیق از نقش و کارکردهای گروه‌های مختلف را در درون یک نظام متشکل تاکید می‌کند؛ این امر در کنار نقش نیروهای جدید در شکل‌یابی مفهوم‌های جدید و نظام اندیشه‌ای متفاوت حائز اهمیت می‌باشد.

۱-۲) سامان تحقیق

به منظور تبیین و تشریح تغییرات اجتماعی و سیاسی در جامعه‌ی عصر سلجوقی، این تحقیق در چهار فصل و مبتنی بر داده‌ها و اطلاعات منابع دسته اول ارائه می‌گردد، تا بر اساس آن به تبیین موضوع پرداخته شود. در فصل اول این تحقیق، ابتدا پیشینه سازمان سپاه و کارکرد آن پیش از عصر سلجوقی ارائه می‌گردد. در فصل دوم، به منظور تبیین جایگاه نظامیان در فضای کالبدی جامعه عصر سلجوقی ابتدا، شکل‌یابی ساختار سپاه سلجوقی مورد بررسی قرار گرفته و سپس به کارکرد آن در مقابل ساختارها و نظام‌های ثابت اجتماعی پرداخته می‌شود. در فصل سوم، با شناسایی لایه‌های متفاوت نظامیان و نحوه‌ی چیدمان آنان در بافت اجتماعی و سیاسی، به چگونگی شکل‌گیری و جای‌یابی آنان در درون کالبد جامعه عصر سلجوقی و کارکرد و نقش آن‌ها در درون این نظام متشکل، و در نهایت در فصل چهارم، به تبیین اندیشه‌ی نظامی‌گری نزد نظامیان عصر سلجوقی و تاثیر گذاری این اندیشه‌ها در قدرت‌یابی آن‌ها توجه خواهیم نمود.

در مجموع در این تحقیق، سعی می‌شود ابتدا به ریخت‌شناسی و سازمان‌یابی عناصر نظامی در قالب ساختار جامعه‌ی عصر سلجوقی توجه شود و سپس به بررسی و تبیین جایگاه و نقش این عناصر در شکل‌یابی نهایی ساختارهای سیاسی و اجتماعی پرداخته شود؛ و در نهایت به فرایند و سیر نظام اندیشه‌ای قدرت نزد عناصر نظامی توجه گردد.

۳-۱) سوال‌های پژوهش

- با توجه به مباحث طرح شده در طرح موضوع، پرسش‌های پیش‌رو عبارتند از:
۱. ترکیب امرای نظامی دوره سلجوقی بزرگ و پایگاه و نقش اجتماعی و سیاسی آنان چگونه بود؟
 ۲. سازمان سپاه و امرای نظامی دوره سلجوقی در افزایش یا کاهش کارآمدی حکومت سلجوقیان چه نقشی را ایفا می‌کرد؟

۴-۱) فرضیه‌های پژوهش

۱. سپاه دوره سلجوقیان از ماهیتی دوگانه برخوردار بود که ناشی از تداخل مناسبات جامعه یکجانشینی با جوامع کوچ‌رو بود. این ویژگی باعث شد گرایش‌های متناوب امرای نظامی به سوی مرکزگرایی یا مرکزگریزی به عنوان پیامد ضروری این ساختار دوگانه در حوزه سیاست و حکمرانی دوره سلجوقیان آشکارا نمود پیدا کند.
- ترکیب امرای نظامی این دوره نیز در تبعیت از ساختار یاد شده از بخش‌های ناهمگون تشکیل شده بود: امرای ترک با پایگاه‌های قبیله‌ای در کنار امرای ایرانی، که نمایندگی دودمان‌های حکومت‌گر بومی یا الگوهای نظامی‌گری خاص ایرانیان را برعهده داشتند، به ناگزیر در قالب نظامی، که از سوی حکومت سلجوقی برقرار شده بود، گردهم آمده بودند. تفاوت‌ها در پایگاه اجتماعی و اقتصادی این امرای پیامدهایی را در عرصه سیاست ورزی، به شکل دفاع از رویه‌های مرکزگرایانه یا گرایش‌های تجزیه طلبانه در نزد امرای بار می‌آورد.
۲. با عنایت به استمرار ماهیت دوگانه‌ی سازمان سپاه و ترکیب ناهمگون امرای نظامی دوره سلجوقی می‌توان از قابلیت‌ها و توانایی‌های ساختاری این سپاه و تحقق کارکردهای آشکار و پنهان آن در زمینه‌های حفظ قدرت سیاسی و دفع تهدیدات حکومت سلجوقی سخن گفت. از سوی دیگر استمرار حضور و نفوذ دو گروه امرای نظامی در ترکیب فرماندهان نظامی دوره سلجوقی را می‌توان چون برآیندی از نظام اجتماعی دوگانه‌ی آن روز ایران (بخش کوچ‌رویی در کنار بخش یکجانشینی) دانست.

۵-۱) روش انجام پژوهش

روش پژوهش در این رساله براساس روش مرسوم در حوزه‌ی تحقیقات تاریخی، شکل گرفته است. در این روش پس از تدوین چهارچوب نظری مرتبط با موضوع به مطالعه و بررسی متون و منابع مختلف پرداخته شده و اطلاعات و داده‌های لازم مهیا گردید و در نهایت به شکل نظام‌مند در ارتباط با سوال و مسئله‌ی پژوهش، پس از تجزیه و تحلیل ارائه می‌گردد. به صورت کلی می‌توان گفت، این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی آماده شده است.

۶-۱) هدف‌های پژوهش

۱. بررسی نقش گروه‌های اجتماعی مانند نخبگان سپاهی در تغییرات و تحولات سیاسی-اجتماعی دوره‌ی سلجوقیان؛
۲. تحلیل تاثیرگذاری پایگاه اجتماعی-سیاسی گروه نظامیان دوره‌ی سلجوقی بر گرایش‌های سیاسی-اجتماعی و اقتصادی آنان (رفتار شناسی گروه نظامیان در دوره‌ی سلجوقیان)؛
۳. شناسایی گروه‌بندی امرای نظامی دوره‌ی سلجوقی و تحلیل پایگاه اجتماعی و سیاسی هر یک از گروه‌های مزبور؛

۷-۱) قلمرو پژوهش (زمانی - مکانی - موضوعی)

الف- قلمرو موضوعی پژوهش، مربوط به نظامیان و گروه‌های نظامی دوره سلجوقی است که با توجه به زمینه‌ی آن بر اساس نمونه‌های پیشین در حکومت‌های قبلی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب- قلمرو زمانی و مکانی پژوهش، فاصله‌ی زمانی برآمدن سلجوقیان تا پایان دوره سلجوقیان بزرگ (۵۵۲-۴۲۹هـ.ق) را در بر خواهد داشت. این موضوع در محدوده‌ی قلمرو سلجوقیان که در اوج گستردگی از ماوراءالنهر تا آناتولی را شامل می‌شد، در این فاصله‌ی زمانی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۸-۱) چهارچوب نظری

در این پژوهش، در جهت تحلیل داده‌ها که بر اساس روش تحقیق در تاریخ گرد آمده است، نیاز به یک چهارچوب تحلیلی، ضروری می‌نماید تا درکی درست و منظم از وقایع صورت گیرد. به همین منظور رویکرد اتخاذ شده در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها، استفاده از نظریه‌های مرتبط هم‌چون ساختارگرایی و کارکردگرایی در قالب نظریه‌های جامعه‌شناسی سیاسی و اجتماعی می‌باشد که می‌بایستی با درک تفاوت‌های موجود در دوره‌ی مورد بحث و با ساختار این چهارچوب‌های نظری انجام گیرد. به منظور تحلیل نقش سیاسی و اجتماعی امرای نظامی عصر سلجوقی، نیاز به یک بررسی دقیق

از سیر ساختار سپاه عصر سلجوقی است تا امرای سلجوقی در قالب یک الگوی فراگیر، مورد بررسی قرار گیرند. در این الگو که براساس نظریه‌ی ساختارگرایی^۱ و کارکردگرایی^۲ شکل می‌گیرد، امرای نظامی به عنوان عناصری که یک نظام متشکل را شکل می‌دادند، همراه با درک تفاوت‌های ماهوی و کارکردی گروه‌های گوناگونی که در درون آن نظام می‌یافتند، در قالب یک الگوی فراگیر مورد بررسی خواهند گرفت. بررسی ساختاری نیروهای نظامی با توجه به ماهیت و کارکرد سیاسی این عناصر در تقابل با نظریه‌های موجود در علم سیاست صورت خواهد گرفت.

قرار گرفتن امرای نظامی در یک ساختار متشکل، هم‌چون نهاد دیوان‌سالاری، قدرت نظم‌یابی آن‌ها را افزایش می‌داد؛^۳ از این رو این امر می‌توانستند با در اختیار گرفتن ابزار قدرت به نیرویی مسلط در حوزه‌ی سیاست و جامعه تبدیل شوند. این امر ابتدا به صورت شکل‌گیری حکومت‌های نظامی، و نظامی شدن ساختارهای جامعه مشاهده می‌شود که از آن به سیاست نظامی‌گری تعبیر می‌شود^۴ و آن‌گاه با توان‌یابی آن‌ها در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی به صورت کانون‌های تمامیت‌خواهی جلوه می‌کنند که بر تمام شئون حکومتی تسلط داشتند.^۵ تسلط امرای نظامی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، ناشی از وضعیت آن‌ها به عنوان کانون‌های قدرتی می‌باشد که از آن به نخبگان حکومتی تعبیر می‌شود. این نخبگان حکومتی، به منزله طبقه مسلطی محسوب می‌شدند که توان شکل‌دهی ساختارهای سیاسی و اجتماعی را داشتند.^۶ در واقع نیروهای نظامی با جای‌گیری در نظام‌های اجتماعی و سیاسی، با توان‌یابی توسط ساختارهایی چون دیوان‌سالاری، در قالب یک نظام هماهنگ عمل می‌کنند که منجر به شکل‌گیری حکومتی قدرت‌مدار و نظامی می‌گردد و به تبع آن، این گروه‌ها با تسلط بر تمام امور، حکومتی تمامیت‌خواه ایجاد می‌نمایند.^۷

۱. نظریه‌ی ساختارگرایی به چگونگی ارتباط اجزا با نظام متشکل که خود برآمده از بخش‌های مرتبط با یکدیگر است، می‌پردازد و آن را هم‌چون یک سیستم هماهنگ در نظر می‌گیرد. برای اطلاعات بیشتر در باب ساختارگرایی. ر.ک: بودون، ریمون؛ بوریگو، فرانسوا: فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی؛ ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵، صص ۴۰۶-۴۱۴. هم‌چنین ر.ک:

De Josselin de gong. P. E. "Structuralism". The social Science Encyclopedia. Ed, Adam kuper; Jessica Kuper. London and New York, Routledge, 2001, pp 852-854.

۲. کارکردگرایی به روابط متقابل و ارگانیک اجزای جامعه می‌پردازد و آن را هم‌چون یک پیوستار می‌پندارد. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: بشیریه، حسن؛ جامعه‌شناسی سیاسی؛ تهران، نی، ۱۳۷۶، صص ۸۴-۹۳.

۳. برای اطلاع از برتری‌های نظام دیوان سالار در قالب نهاد قدرت. ر.ک: وبر، مارکس: اقتصاد و جامعه؛ ترجمه‌ی عباس منوچهری و دیگران، تهران، سمت، ۱۳۸۴، صص ۳۱۴-۳۶۴. یا ر.ک: وبر، ماکس: دین، قدرت، جامعه؛ ترجمه‌ی احمد تدین، تهران، هرمس، ۱۳۸۲، صص ۲۲۵-۲۷۸.

۴. برای آشنایی با سیاست نظامی‌گری (میلیتاریسم). ر.ک: بشیریه: جامعه‌شناسی سیاسی؛ صص ۲۶۲-۲۷۸.

۵. برای آشنایی با شرایط حکومت تمامیت‌خواه (توتالیتر). ر.ک: آشوری، داریوش: دانش‌نامه سیاسی؛ تهران، سهروردی، مروارید، ۱۳۶۶، صص ۲۴۰-۲۴۱. هم‌چنین ر.ک: بودون و بوریگو: فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی؛ صص ۲۰۶-۲۱۷.

۶. برای آشنایی با مفهوم طبقه‌ی نخبه و چگونگی کارکرد آن. ر.ک: بشیریه: جامعه‌شناسی سیاسی؛ صص ۷۴-۶۹. هم‌چنین ر.ک: صص ۶۶۳-۶۷۲.

۷. برای آگاهی از شرایط نظام تمامیت‌خواه ر.ک: حجاریان، سعید: «ساخت اقتدار «سلطانی»، آسیب‌پذیری‌ها، بدیل‌ها»؛ مجله‌ی اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲-۹۱، ۱۳۷۴.

۹-۱) پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد ویژه‌ی آن که توجه به نظریات جامعه‌شناسی و علم سیاست می‌باشد، فاقد پیشینه‌ی قبلی است. اگرچه اشاراتی کلی در آثار برخی محققان به برخی جوانب این موضوع صورت گرفته است، اما تا کنون بحث مستقلی در این موضوع به انجام نرسیده است. شماری از مقالات (مانند مقاله دکتر اصفهانیان در مورد ساختار ارتش دوره‌ی سلجوقی) نیز در حد توصیف موضوع و نقل اطلاعات بوده و از جنبه تحلیلی عاری می‌باشند.

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل ساختار سپاه و بررسی نقش امرای نظامی دوره‌ی سلجوقیان طراحی شده است، که در فهم بهتر مناسبات قدرت جامعه‌ی ایران، در سده‌های میانه بسیار موثر خواهد بود. شیوه‌ی طرح بحث و رویکرد متخذ در پژوهش حاضر نیز فاقد پیشینه‌ی قبلی است.

۱۰-۱) تعریف مفاهیم

بنیاد یا ساخت و ساختار اجتماعی (Social Structure): مفهومی است که در علم جامعه‌شناسی به معانی مختلفی استفاده شده است. این مفهوم که بعد از جنگ جهانی دوم به معنی وسیع به عنوان تنظیم دستوری پدیده‌های اجتماعی به کار می‌رفت، به معنی ارتباط بخش‌های یک کل در نظر گرفته می‌شد،^۸ که واجد ویژگی‌های خاص بود. گروهی، ساخت یا ساختار اجتماعی را به معنی کلیت پیچیده و به هم بافته‌ی پدیده‌های اجتماعی که همواره در تحول و تغییر درونی و بیرونی است، استفاده می‌کنند. از این منظر، این تحول و تغییر در جهت تنظیم و بازسازی خود است تا پویایی و انعطاف‌پذیری خود را، هم در عناصر و اجزا و هم در کلیت خود، به دست آورد. بنیاد سه خصیصه اساسی دارد: ۱- کلیت و تمامیت (که قابل تجزیه به عناصر و اجزاء خود نیست)؛ ۲- تغییر و تبدیل و استحاله‌ی درونی و بیرونی؛ ۳- داشتن نظام داخلی (خودش خودش را تنظیم می‌کند). تا هنگامی که امور و پدیده‌های اجتماعی پاسخ‌گوی نیازهای جامعه است، بنیادها یا ساختارهای اجتماعی از دوام و بقا برخوردار هستند اما هنگامی که اموری نتواند این نیازها را مرتفع نماید، بنیاد دچار ریزش و فروپاشی می‌گردد. به این ترتیب، اگر گروه اجتماعی یا طبقه‌ی اجتماعی سازمان یافته هم نباشد، با درجات نازل‌تر واجد ساخت و خصایص مربوط به آن است.^۹ ساخت یا ساختار، در کنشی متقابل با اجزا قرار دارد و از این رو حالت پویای خود را حفظ می‌نماید. این عمل با سازماندهی عناصر و نظام‌یابی در یک

^۸ برای اطلاع بیشتر از مفهوم ساخت یا ساختار اجتماعی ر.ک: عضدانلو، حمید: آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی؛ تهران، نی، ۱۳۸۴، صص ۳۵۵-۳۵۶. هم‌چنین ر.ک:

Leach. Edmund R. Udy, Jr. Stanley H. "Social Structure". International Encyclopedia of the social sciences. Ed, David L. Sills. VOL 13- 14. New York, The Macmillan Company & The free press, London, Collier- Macmillan publishers, 1972, pp 482- 495.

^۹ ر.ک: آراسته خو، محمد: نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی؛ چاپخس، تهران، ۱۳۸۱، صص ۲۸۱-۲۸۴.

چهارچوب صورت می‌گیرد که از آن به سازمان‌دهی نیروها یاد می‌شود که نمونه‌ی آن شکل‌گیری سلسله مراتب نظامی در سپاه می‌باشد.^{۱۰}

پایگاه اجتماعی (Social Status): مترادف «statut» در زبان فرانسه است که خود از ریشه‌ی لاتین «statuere» (مستقر و برقرار کردن) آمده است. پایگاه اجتماعی به معنی ارزش و اعتباری است که جامعه برای نقش اجتماعی فرد، گروه و طبقه‌ی اجتماعی قائل می‌باشد. ارزشی که جامعه برای نقش‌های اجتماعی قائل است متغیر و متفاوت است و دگرگونی می‌پذیرد. از آن‌رو تغییر ارزش‌ها، تبدیل پایگاه اجتماعی را به همراه دارد. پایگاه اجتماعی، ارتباط نزدیکی با وضعیت و موقعیت افراد گروه‌ها و طبقات در شرایط و روابط اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) دارد.^{۱۱} هم‌چنین پایگاه اجتماعی به معنی موقعیت مشخص یک فرد در گروه یا یک گروه در جامعه آمده است. این موقعیت از دو سطح، یکی در ارتباط با افراد یا گروه‌های هم‌سطح و دیگری در ارتباط با افراد یا گروه‌های غیر هم‌سطح برخوردار است. پایگاه اجتماعی با نقش افراد یا گروه‌ها در ارتباط دوسویه قرار دارد به این معنی که این دو از یکدیگر تاثیر و تاثر می‌پذیرند و به این ترتیب به یکدیگر وابسته هستند.^{۱۲}

جامعه (Society): این مفهوم معادل «societe» در زبان فرانسه و از ریشه‌ی «societas» (شریک و هم‌نشین) گرفته شده است و به معنی وضع و حالت اجتماعی است که یک قاعده و قانون مشترک و معین را شامل می‌شود. این کلمه در فرهنگ لغات به معانی مختلفی از جمله، گردآورنده، جمع‌کننده، مجتمع و غیره آمده است. از تعاریف جامعه می‌توان چنین استنباط کرد که جامعه‌ی انسانی، شامل گروه یا گروه‌هایی از مردم است که در جایی ساکن‌اند و دارای نهادها، سازمان‌ها و تاسیسات خاص اجتماعی است که مشارکت‌شان از روی اراده می‌باشد.^{۱۳}

طبقه‌ی اجتماعی (Social Class): این مفهوم به معنی رسته‌ی از مردم، دسته یا صنف و مرتبه که در برابر «Classe» در زبان فرانسه که خود از ریشه‌ی لاتین «Classis» گرفته شده است، آمده است. این مفهوم به معنی مجموعه اشخاصی که در یک جامعه، ساختار و کارکردهای اجتماعی هم‌سان، منافع و مصالح مشابه و شرایط تقریباً مساوی دارند، استفاده می‌شود. در واقع طبقه‌ی اجتماعی، مجموعه‌ای از افراد و گروه‌های انسانی است که از منافع، شرایط و موقعیت‌های اقتصادی و سیاسی مشابه و ویژگی‌های فرهنگی مشترک در جامعه و زمانی مشخص برخوردار باشند.^{۱۴}

^{۱۰} برای آشنایی با مفهوم سازمان‌دهی و تفاوت آن با ساختارگرایی ر.ک: بودون و بوریکو: فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی؛ صص ۴۲۲-۴۱۴. هم‌چنین ر.ک: Blan. Peter. M. Et. Al. "Organizations". International Encyclopedia of the social sciences. Ed, David L. Sills. VOL 11-12. New York, The Macmillan Company & The free press, London, Collier- Macmillan publishers, 1972, pp 297-343.

^{۱۱} ر.ک: آراسته خو: فرهنگ اصطلاحات؛ صص ۲۹۷-۲۹۸.

^{۱۲} ر.ک: بودون و بوریکو: فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی؛ صص ۱۲۸-۱۳۲.

^{۱۳} ر.ک: آراسته خو؛ فرهنگ اصطلاحات؛ ص ۴۵۵.

^{۱۴} ر.ک: همان؛ ۶۶۹.

بافت (context): این مفهوم از نظر لغوی به معنی ساختار و ویژگی‌های متعلق به یک مجموعه آمده است، همچنین به معنی مجموعه‌ی اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی یک اثر، جدا از مضمون و اندیشه‌ی آن نیز به کار رفته است.^{۱۵} هدف از این مفهوم، ترکیبی از عناصر تشکیل‌دهنده‌ی یک کل، بدون توجه به سازمان‌یابی آن‌ها براساس قواعد مشخص می‌باشد که از مشخصات ساخت یا ساختار اجتماعی است.

نهاد اجتماعی (Social Institution): به عنوان معادل «institution» در زبان فرانسه است. نهاد اجتماعی، رفتار بنیادی و منظم اجتماعی است که براساس هدف یا هدف‌های اساسی مشخص شکل می‌گیرد و کل به هم پیوسته‌ای را به وجود می‌آورد که منشا ایجاد و جهت‌گیری نقش‌ها، ارزش‌ها، علائق و رفتارهای مشترک و متشکل می‌باشد. نهاد اجتماعی، سازمان‌بندی اجتماعی اصلی جامعه است که مولد کنش‌ها و واکنش‌ها است و همچنین اهمیت ساختی و کارکردی دارد.^{۱۶} به این ترتیب، سه ویژگی برای نهاد ذکر می‌شود، ۱- الگوی رفتاری که به وسیله‌ی نهاد تنظیم می‌شود؛ ۲- تنظیم رفتار شخصی در جامعه براساس الگوهای مشخص، مستمر و نظم‌یافته؛ ۳- این الگوها شامل نظم‌بخشی و کنترل مشخص رفتار است.^{۱۷}

هماهنگی اجتماعی (Social Harmony): معادل «harmonie» در فرانسه که ریشه یونانی آن «harmonia» آمده است. هماهنگی اجتماعی به مفهوم سازواری اجتماعی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و سازمان‌های اجتماعی مربوط به آن‌هاست. هماهنگی اجتماعی ناشی از تقارن و توافق اجزا و عناصر درون نظام اجتماعی با یکدیگر و با کل جامعه و هم‌سازی آن‌هاست که متقابلاً در تحرک، پویایی، پیوستگی اجزاء و عناصر جامعه دست‌اندرکار می‌شود. منظور از هماهنگی اجتماعی یک دست بودن و در یک صف قرار گرفتن و یک شکل نمودن نیست و نیز هدف از آن، ایجاد جامعه‌ی بی تحرک و ثابت نمی‌باشد. بلکه همه‌ی کنش‌ها و واکنش‌های متقابل عینی و ذهنی در میان است و برخورد عقاید و آراء و شیوه‌ی تحریک و تحرک موجود است.^{۱۸}

نظامی‌گری (Militarism): از نظر لغوی به معنی حکومتی که در راس آن، افراد نظامی قرار داشته باشند،^{۱۹} آمده است. این مفهوم به معنی سیاست تحکیم و تقویت نیروهای نظامی یا چیرگی ارتش در حکومت و دخالت آن در امور سیاسی است. همچنین نظامی‌گری به مفهوم نظامی کردن جامعه با اهمیت دادن به ارتش و تقویت و پرورش روحیه‌ی نظامی‌گری در جامعه نیز آمده است.^{۲۰} به

۱۵. ر.ک: انوری، حسن: فرهنگ بزرگ سخن؛ ذیل واژه‌ی بافت، ج ۲، تهران، سخن، ۱۳۸۱.

۱۶. ر.ک: آراسته‌خو: فرهنگ اصطلاحات؛ صص ۸۷۳-۸۷۷.

17. C.f. Eisenstadt. Shmuel. N. "Social Institution", International Encyclopedia of the social sciences. Ed, David L. Sills. VOL 13- 14. New York, The Macmillan Company & The free press, London, Collier- Macmillan publishers, 1972, pp409- 429.

۱۸. آراسته‌خو: فرهنگ اصطلاحات؛ صص ۸۹۳-۸۹۵.

۱۹. ر.ک: انوری: سخن؛ ذیل واژه‌ی ارتش سالاری، ج ۱.

۲۰. ر.ک: افشاری راد، مینو؛ آقابخشی، علی: فرهنگ علوم سیاسی؛ تهران، چاپار، ۱۳۸۳.

طور کلی می‌توان گفت هدف از این مفهوم، اعتقاد به تسلط توسط ارتش یا طبقه‌ی نظامی یا آرمان نظامی می‌باشد.^{۲۱}

نخبگان (elites): به عنوان گروه‌های مسلط در جامعه محسوب می‌گردند که وظیفه‌ی هدایت نظام‌های اجتماعی و سیاسی را بر عهده دارند. شکل‌بندی و توانایی این گروه‌ها با توجه به پایگاه آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد، اما توجه به تمرکز امور در اختیار این گروه‌ها، وجه تشابه تمام گروه‌های نخبه با زمینه‌های گوناگون سیاسی، نظامی و غیره می‌باشد.^{۲۲}

امیر (commander): امیر در لغت به معنی فرماندهی سپاه، سردار، سپهسالار،^{۲۳} صاحب منصبی ارتشی،^{۲۴} روسای سپاه و حکام و ارباب سیاست،^{۲۵} آمده است. این اصطلاح به نظر می‌رسد اصطلاحی باشد که بعد از ورود اعراب به ایران در قلمرو ایران استفاده شده است^{۲۶} و بیشتر به صاحب‌منصبان نظامی و اداری، اطلاق می‌گردیده است.

امیر - غلام: غلام نیز در لغت به معنی پسر یا مردی که برای کسی کار می‌کند، آمده است، هم‌چنین در نظام برده‌داری به پسر یا مردی که با پول خرید و فروش می‌شود،^{۲۷} اطلاق می‌گردد. غلام به معنی نوکر، بنده، عبد و مملوک،^{۲۸} نیز آمده است. این اصطلاح ترکیبی از دو کلمه‌ی امیر به معنی فرماندهی نظامی و غلام به معنی کسی است که پایگاه غلامی داشته باشد یعنی به عنوان بنده، عبد و مملوک کسی محسوب گردد. این اصطلاح در قرون نخستین اسلامی در ایران به معنی کسانی به کار می‌رفت که با وجود پایگاه غلامی به مناصب عالی نظامی دست می‌یافتند.^{۲۹}

^{۲۱} برای اطلاعات بیشتر ر.ک: برای اطلاعات بیشتر در باب مفهوم نظامی‌گری. ر.ک: بشیریه: جامعه‌شناسی سیاسی؛ صص ۲۶۲-۲۷۸. Bhatia. H. S. Military dictionary & Encyclopedia, New Delhi, Deep & Deep publications, 1982.

^{۲۲} برای آشنایی با مفهوم نخبگان و کارکرد آن‌ها در نظام‌های سیاسی و اجتماعی. ر.ک: بشیریه: جامعه‌شناسی سیاسی؛ صص ۶۹-۷۴. هم‌چنین ر.ک: بودون و بوریکو: فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی؛ صص ۶۶۳-۶۷۲. هم‌چنین ر.ک:

Keller. Suzanne. "Elites". International Encyclopedia of the social sciences. Ed, David L. Sills. VOL 5-6. New York, The Macmillan Company & The free press, London, Collier- Macmillan publishers, 1972, pp 26- 29.

^{۲۳} ر.ک: معین، محمد: فرهنگ فارسی؛ ذیل واژه‌ی امیر، ج ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

^{۲۴} ر.ک: انوری: سخن؛ ج ۱.

^{۲۵} ر.ک: دهخدا، علی‌اکبر: لغت‌نامه؛ ذیل واژه‌ی امیر، زیر نظر محمد معین، سید جعفر شهیدی، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

^{۲۶} استرن در مقاله‌ای در دایرة‌المعارف اسلام اصطلاح امیر را اصطلاحی کاملاً اسلامی معرفی می‌کند که صاحب آن عنوان، در راس جامعه‌ی مسلمانان قرار می‌گرفته است. او سپس به سیر تاریخی اطلاق این اصطلاح پرداخته است که در دوره‌های بعد بیشتر به صاحبان مناصب اداری و نظامی واگذار می‌شده است. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک:

Stern.S.M. "ĀMIR". EI². VOL I. Leiden: E.J.brill; London: Luzac & Co. 1960. pp 438- 440.

^{۲۷} ر.ک: انوری: سخن؛ ج ۶، ذیل واژه‌ی غلام.

^{۲۸} ر.ک: معین: فرهنگ فارسی؛ ج ۲، ذیل واژه‌ی غلام. دهخدا، علی‌اکبر: لغت‌نامه؛ زیر نظر محمد معین، سید جعفر شهیدی، ج ۱۰، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

^{۲۹} برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

Bosworth. C.E. "Ghulam", EI², VOL II, pp. 1082.

ارتش مزدور: مزدور در لغت به کسی که در مقابل کاری مزد بگیرد^{۳۰} یا کسی که کارهای بیهوده می‌کند،^{۳۱} اطلاق می‌گردد. همچنین مزدور به معنی کسی که بدون توجه به ارزش اخلاقی عملش، در برابر پول به کسی یا به کشوری بیگانه خدمت بکند، استفاده شده است.^{۳۲} ارتش مزدور در قرون نخستین اسلامی در ایران به نظامیانی اطلاق می‌گردید که در مقابل دریافت مزد به فرماندهان نظامی می‌پیوستند و گاه از اطاعت فرماندهی به اطاعت فرماندهی دیگر در می‌آمدند.

امرای مقیم دربار: امرای نظامی بودند که براساس تقسیم‌بندی لمبتون از امرای عصر سلجوقی در دربار سلاطین حضور داشتند^{۳۳} و مناصب درباری را برعهده می‌گرفتند.^{۳۴} موقعیت آن‌ها با توجه به حضور دربار و اعمال نفوذ از طریق مناصبی که در دربار به عهده می‌گرفتند و همچنین نزدیکی به سلطان از اهمیت خاصی بر خوردار بود که گاه مورد توجه دیگر امرای نیز قرار می‌گرفت و باعث کشمکش‌هایی از طریق دسیسه و توطئه بر علیه یکدیگر برای کسب اعتماد سلطان می‌گردید.^{۳۵}

۱-۱۱) معرفی و نقد منابع

فارسنامه: نویسنده‌ی کتاب به نام ابن بلخی در دستگاه سلجوقیان صاحب مقام و منزلت و اعتبار بود و به علت اهمیتی که این سلسله به استان فارس می‌دادند وی را مستوفی آن‌جا نمودند و سلطان ابوشجاع محمد به دلیل اطلاعات تاریخی و درجات علمی از وی خواست تا کتاب فارسنامه را به رشته‌ی تحریر در آورد و از آن‌رو ابن بلخی که اصل او از بلخ بود، کتاب را به نام سلطان محمد پسر دوم ملک‌شاه سلجوقی (۵۱۱-۴۹۸ ه. ق) تالیف کرد. نثر این کتاب بسیار روان و ساده و دارای شرایط نثر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم است.

ابن بلخی به شرح صفت پارس و بعضی از احوال این منطقه و مردم آن پرداخته و درباره‌ی کلمه‌ی پارس، موقعیت طبیعی و جغرافیایی آن، نسب مردم پارس و خصوصیات و ویژگی‌های این شهر پرداخته است. او کتاب خود را برخلاف مورخان بعد از قرن ۲، که تاریخ را با حضرت آدم شروع می‌کردند، کتاب فارسنامه را با پادشاهی کیومرث آغاز می‌کند. ابن بلخی به طبقه‌بندی ملوک فارس پرداخته و آن را به ۴ طبقه‌ی (پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان) تقسیم‌بندی می‌کند و به ذکر نام پادشاهان و بیان انساب و تاریخ پادشاهی آنان می‌پردازد. او به چگونگی گشوده شدن پارس توسط مسلمانان

۳۰. ر.ک: دهخدا: ج ۱۲، ذیل واژه‌ی مزدور.

۳۱. ر.ک: معین: فرهنگ فارسی؛ ج ۳، ذیل واژه‌ی مزدور.

۳۲. ر.ک: انوری: سخن؛ ج ۷، ذیل واژه‌ی مزدور.

۳۳. برای آشنایی بیشتر با تقسیم‌بندی لمبتون از امرای نظامی عصر سلجوقی، ر.ک: لمبتن، آن. ک. س: سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام؛ ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۳۲. یا ر.ک: بویل، جی. آ: تاریخ ایران (پژوهشی از دانشگاه کمبریج)؛ ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰.

۳۴. برای دیدن لیستی از مناصب امرای دربار چون امیر حرس، جاندار (سلاح‌دار)، سالار غلامان سرایی، ر.ک: انوری، حسن: اصطلاحات دیوانی دوره‌ی غزنوی و سلجوقی؛ تهران، کتابخانه‌ی طهوری، ۱۳۵۵، صص ۲۰-۴۶.

۳۵. لمبتن، آن: تداوم و تحول در تاریخ میانه‌ی ایران؛ ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، نی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۶.

پرداخته و درباره‌ی موقعیت و مساحت جغرافیایی، خصوصیات آب و هوایی، صفت کورت‌های پارس و شهرهای مهم این کورت‌ها، نهرهای بزرگ و معروف فارس و مسافت‌های فارس تا مناطق دیگر و شرح حال اقوامی که در فارس بوده‌اند مطالب مفیدی ارائه می‌کند. این کتاب را می‌توان جغرافیای تاریخی فارس دانست که در آن اطلاعات اجتماعی وسیعی از حاکمان و مردم آن سرزمین در کنار اطلاعات سیاسی در اختیار می‌گذارد.

مجمّل التواریخ و القصص: در سال ۵۲۰ هجری- قمری تالیف گردیده است. گویا مولف از دبیران سلاجقه و در خدمت امرای سلجوق شغل کتابت و ندیمی داشته است.^{۳۶} به نظر می‌رسد طبق شواهدی که در کتاب موجود است، او از اهالی اسدآباد بوده است، زیرا به شرح جزئیات وقایع و توصیف این شهر می‌پردازد. با نظری به محتوای کتاب به نظر می‌رسد احتمالاً کتاب در عهد سلطنت سلطان سنجر و سلطان محمود بن محمد بن ملک‌شاه تالیف شده است. مورخ هنگام ارائه‌ی گزارش به ذکر منابع مختلفی که برای نوشتن تاریخ خود استفاده کرده اشاره می‌کند و طریقه‌ی تالیف کتاب خود را بیان می‌کند. کتاب شامل یک مقدمه یا دیباچه و ۲۴ باب است. باب اول درباره‌ی تواریخ و اختلافاتی که در آن وجود دارد صحبت می‌کند؛ در باب دوم تا هشتم به ذکر تاریخ از زمان حضرت آدم تا مدت زمانی که از عهد آنان تا سال ۵۲۰ ه. ق، می‌گذرد اشاره دارد؛ از باب هشتم تا دهم نیز به ذکر تاریخ عجم تا پیدایش اسلام می‌پردازد. مورخ هم‌چنین گاه به مقایسه‌ی دو کتاب مختلف درباره‌ی موضوعی خاص می‌پردازد و به اشتباهاتی که در این بین رخ داده است، اشاره می‌کند. از باب یازدهم تا هیجدهم کتاب درباره‌ی اخبار و نسب ترکان، هندوان، یونانیان، قیصران روم، قبطیان، اسرائیلیان، ملوک و علما آنان و ملوک اعراب پرداخته است. با توجه به کتبی که مولف از آن‌ها نام برده است، می‌توان دریافت که مولف متن خود را با استفاده از منابع مختلف و گاه نزدیک به آن دوره، نگاشته است که در دقت متن می‌توانسته موثر باشد.

باب نوزدهم از اصل و نسب پادشاهان قریش عرب آغاز و رویدادهای تاریخی مسلمانان تا سال ۵۲۰ هجری ادامه می‌یابد. در باب بیستم به ذکر تاریخ و نسب سلاطین دوره‌ی خلفای عباسی پرداخته و نیز قلمرو جغرافیایی دولت‌های سامانیان، آل‌بویه، غزنویان و سلجوقیان را تشریح می‌کند. باب بیست و یکم به القاب پادشاهان و سلاطین و لقب پیامبران و خلفا پرداخته است؛ در باب بیست و دوم درباره‌ی چگونگی مرگ، حوادث زمان آن و وقایع پس از مرگ و محل دفن مقابر پیامبران و خلفا و علی(ع) و فرزندان ایشان سخن می‌گوید و در دو فصل آخر به جغرافیای عالم پرداخته است.

این کتاب تاریخی، علاوه بر توصیفات تاریخی و جغرافیایی، با آوردن داستان‌های کوتاه و حکایات، اهمیت مخصوصی به قصص و افسانه‌های تاریخی و محلی متداول در آن دوران می‌دهد که با نثری ساده، آن‌ها را ارائه می‌کند. به این ترتیب اطلاعاتی که مجمّل التواریخ در اختیار می‌گذارد با توجه به

۳۶. ر.ک: به مقدمه‌ی مجمّل التواریخ و القصص، به تصحیح ملک الشعرا بهار.

استفاده از منابعی که گاه از میان رفته‌اند و گزارش‌هایی سیاسی و اجتماعی که ارائه می‌کند مورد توجه می‌باشد.

تاریخ سلسله‌ی سلجوقی: این کتاب ابتدا با نام تاریخ الدولة آل سلجوق زبدة النصره و نخبة العصره توسط انوشروان بن خالد کاشانی که در سال ۴۰۹ هـ. ق در ری متولد شد، نگاشته شد. اصل او از کاشان و از فضلا و بزرگان عصر خود بود که در سنین جوانی در دستگاه دیوانی خواجه نظام‌الملک راه پیدا کرده بود. او مدتی خزانه‌دار سلطان محمد بن ملکشاه در اصفهان بود و سپس در زمان ضیاءالملک احمد بن نظام‌الملک به ریاست دیوان عرض منسوب شد. بعد از آن یک سال در وزارت سلطان مسعود سلجوقی بود و بعد از آن تا پایان عمر گوشه‌نشینی اختیار کرد.

ابوعبدالله محمد بن صفی الدین محمد بن حامد مشهور به کاتب اصفهانی یا عماد اصفهانی از اکابر فقها و ادبای شافعی اواخر قرن ۶ هجری است که در اصفهان به سال ۵۱۹ هـ. ق متولد شد. او مدتی مقام نیابت شهر واسط را یافت اما در زمان المستنجد خلیفه‌ی عباسی معزول و محبوس شد. عماد الدین در کتاب نصره الفتره و عصره الفطره که در سال ۵۷۹ هجری تألیف کرده است، علاوه بر مطالب انوشروان کاشانی ذیلی هم بر آن نوشت و تاریخ سلجوقیان را تا سال ۵۸۵ هجری ادامه داد. از کتاب عماد الدین اصفهانی نیز نسخه‌ای باقی نمانده و فتح بن علی بنداری کتاب نصره الفتره و عصره الفطره را در سال ۶۲۳ هـ. ق خلاصه کرده و نام زبده النصره و نخبه العصره را بر آن گذاشت.

ابو ابراهیم قوام الدین فتح بن علی بن محمد بنداری (۶۴۲-۵۸۶ هـ. ق) در اصفهان دیده به جهان گشود. او کتاب خود را بر مبنای نوشته‌های خالد کاشانی و عمادالدین اصفهانی که هر دو از اعضای برجسته‌ی دیوان سلجوقی بودند، فراهم آورد. کتاب به شرح وقایع دوره‌ی سلجوقی می‌پردازد که در آن با توجه به ترتیب سال‌ها، در پایان هر سال و یا دوره‌ای از سال‌ها از حوادث طبیعی و اجتماعی مربوط به آن سال‌ها و نیز رجالی که طی آن دوره فوت کرده‌اند، اطلاعاتی در اختیار می‌گذارد که مطالب آن اساساً منحصر به اعضای طبقات مذهبی و مامورین دیوان‌سالاری است. کتاب هم‌چنین حاوی مطالبی درباره‌ی اسماعیلیان و پیدایش آنان است.

مؤلف به جز اطلاعات سیاسی با بیان روایی حوادث و وقایع، در پاره‌ای موارد به تجزیه و تحلیل و نیز علل وقایع، وجود نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی و رقابت در بین سران سلجوقی و امیران لشکر می‌پردازد و به دسته‌بندی‌های موجود بین کارمندان و نایبان دولت و رقابت عراقیان و خراسانیان و اثر آن در تضعیف حکومت سلجوقیان اشاره دارد. اطلاعاتی که مؤلف درباره‌ی بعضی از مقام‌های اداری دوره‌ی سلجوقی (وکیل در، امیر بار و غیره) و هم‌چنین ترتیب دیوان‌ها در اختیار می‌نهد اگرچه با نثر متکلف و مصنوع همراه است، اما بسیار مهم و سودمند می‌باشند.

تاریخ بیهق: ابوالحسن علی بن ابوالقاسم زید بن محمد بن الحسن بیهقی معروف به «ابن فندق» از دانشمندان قرن ۶ هجری است. او در سال ۴۹۰ هـ. ق در قصبه‌ی سبزوار از ناحیه‌ی بیهق متولد شد.